

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال چهاردهم، شماره پنجاه و پنجم، پاییز ۱۴۰۱، ص ۴۸-۲۱

بررسی انگاره‌های تعلیمی در کتاب «ریاض الخلود» اثر ملا ابوبکر

مصنّف چوری

(اثر تقلیدی ناشناخته از گلستان سعدی)

دکتر فاروق نعمتی* - دکتر هادی یوسفی**

چکیده

ملا ابوبکر مصنّف چوری، از ادیبان و علمای قرن یازدهم هجری است؛ او آثار و تألیفات گرانسنگی در حوزه‌های مختلف دینی و ادبی از خود به یادگار گذاشته است. کتاب ریاض الخلود، اثری تعلیمی - اخلاقی به زبان پارسی است که یکی از مهم‌ترین آثار نویسنده آن به شمار می‌رود. این کتاب دربردارنده بسیاری از مضامین اخلاقی و تربیتی است و به تقلید از گلستان سعدی، در هشت باب به نگارش درآمده؛ مصنّف در آن، بارزترین مقوله‌های تعلیمی را گاه به صورت نظم و گاه به صورت نثر بیان کرده است. این مقاله به روش تحلیلی - توصیفی و با هدف بررسی کلی کتاب ریاض الخلود از منظر ادبیات تعلیمی می‌کوشد تا به مهم‌ترین افکار و اندیشه‌های حکمی - اخلاقی مصنّف در خلال این اثر تعلیمی بپردازد و به این پرسش اصلی پاسخ دهد: مهم‌ترین درون‌مایه‌های تعلیمی و اخلاقی در کتاب ریاض الخلود چیست؟ و نویسنده از چه ابزارهایی در این زمینه استفاده می‌کند؟. یافته‌های پژوهش گویای آن است که مصنّف چوری با پیروی از

* دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) faroogh.nemati@pnu.ac.ir

h.yousefi55@pnu.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

سبک و رویکرد اخلاقی سعدی در گلستان، با گوشزد کردن برخی از ویژگی‌های نیک و برحذر داشتن از برخی صفات مذموم، توانسته است علاوه بر تصنیف یک اثر بدیع و تأمل‌برانگیز در حوزه ادب تعلیمی فارسی، نقش خود را در جایگاه یک معلم اخلاق در دوره خود نمایان کند. بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و احادیث، توجه به سخنان بزرگان ایران باستان، استفاده از ضرب‌المثل‌ها، حکایات و... از اسلوب‌های نویسنده کتاب در بیان مضامین تعلیمی است. در این میان، آوردن ابیاتی به زبان فارسی و عربی، از مهم‌ترین ابزارهای ملا ابوبکر مصنف در کتاب ریاض‌الخلود است که در بردارنده معانی اخلاقی و تعلیمی است.

واژه‌های کلیدی

ملا ابوبکر مصنف چوری؛ ریاض‌الخلود؛ گلستان سعدی؛ ادبیات تعلیمی

۱- مقدمه

ادبیات تعلیمی «یکی از گسترده‌ترین و درازآهنگ‌ترین انواع ادب فارسی است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۴) که در پی استوار کردن و تقویت صفات مطلوب و تلاش برای حذف و نکوهش صفات ناپسند در مخاطب است. ادبیات تعلیمی، گنجینه‌ای از آموزه‌های اخلاقی است که «نیک‌بختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند» (مالملی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲). شمیسا (۱۳۸۳: ۲۶۹) اثر ادب تعلیمی را اثری می‌داند که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی، فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد؛ از این رو برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب، ادبیات تعلیمی در پی آن است تا آموزه‌های تربیتی و اخلاقی را به شکل عاطفی و ذوقی بیان دارد.

انوشه (۱۳۸۱، ج ۲: ۴۴) معتقد است با توسعه دامنه ادب تعلیمی، همه نوشته‌های دینی، اخلاقی، حکمی، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، پندنامه و حتی متونی که به آموزش شاخه‌ای از علوم و فنون یا مهارت‌ها می‌پردازند، داخل حوزه ادبیات تعلیمی

هستند. به‌طور کلی، به هر اثر ادبی که هدف آن، ارشاد و تعلیم (داد، ۱۳۷۸: ۱۹-۲۰) و نشان دادن راه نیکبختی و رستگاری با تهذیب اخلاقی باشد (مشرف، ۱۳۸۹: ۹۲)، ادبیات تعلیمی می‌گویند؛ بنابراین، ادبیات تعلیمی «تعلیم مبانی اخلاقی است که اغلب از آن به‌عنوان مواعظ یا شعرهای حکمی یاد می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۷۳: ۱۴۹) و بنابر نظر شفیع کدکنی (۱۳۷۲: ۸۱)، نیکی، حقیقت و زیبایی، بُن‌مایه و ماهیت اصلی آن را تشکیل می‌دهد. «ادبیات تعلیمی، سعی در ارتقا و اعتلا و پرورش روح انسانی دارد و هدف غایی آن نیز نیکبختی و خوشبختی نوع انسانی است و مخاطب این افکار و مفاهیم نیز نوع بشر در طول تاریخ است نه خطابی مشخص و منحصر به فرد» (یلمه‌ها، ۱۳۹۳: ۸۱).

در طول سده‌هایی که بر ادبیات فارسی گذشته است، آثار بسیاری در ادب تعلیمی پدید آمده که هر کدام، دریایی از معارف را به همراه دارد. اهمیت این نوع ادبی از آن‌روست که مقوله اخلاق و تربیت، یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دینی و سفارش‌شده در آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و کلام بزرگان است. مدح رسول خدا (ص) در قرآن کریم «إِنك لعلی خُلُقٍ عَظِيمٍ»، خود گواهی روشن بر نقش اخلاق در زندگی بشری است. همچنین هدف از رسالت حضرت (ص) در روایتی، تکمیل مکارم اخلاقی بیان شده است.

علامه مصنف چوری (۱۰۱۴-۹۰۹ ق.) از دانشمندان رده‌اول گرد در قرن‌های دهم و یازدهم هجری است که می‌توان او را از نویسندگان پُرکار در زمینه‌های مختلف دینی، اخلاقی و ادبی دانست. می‌توان کتاب *ریاض الخلود* ایشان را از جنبه‌های مختلف ادبی، اندیشه سیاسی، سیاست‌نامه‌نویسی، شریعت‌نامه‌نویسی و اندرزنامه‌نویسی تحلیل و بررسی کرد. در این مقاله، با گذری بر مضامین تعلیمی در *ریاض الخلود*، به بررسی و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

۱-۱ پرسش‌های پژوهش

به دو پرسش زیر در این مقاله پاسخ داده خواهد شد:

- چه مسائلی در حوزه ادب تعلیمی در کتاب *ریاض الخلود* مطرح می‌شود؟
- نویسنده کتاب از چه اسلوب‌های تعلیمی برای بیان مضامین تعلیمی بهره می‌گیرد؟

۲-۱ بیان مسئله و روش پژوهش

در طول تاریخ ادب فارسی، همواره آثار و کتاب‌های تعلیمی وجود داشته است. در این میان، علما و ادبای کُرد در ایران، همگام با بزرگان این سرزمین، در فنون مختلف ادبی قلم‌فرسایی کرده و خلاقیت و ذوق ادبی و هنری خویش را در بیان اندیشه‌ها و افکار خود به کار گرفته‌اند. شخصیت ادبی و فکری سعدی شیرازی و به‌ویژه کتاب *گلستان* وی، نقش پُررنگی در میان ادیبان کُرد داشته است؛^۱ به‌طوری که در مکتب‌خانه‌ها و با به‌اصطلاح محلی، «حجره»های منطقه کردستان، این اثر وزین سعدی در کنار دیگر کتاب‌های شرعی و دینی، به بحث و بررسی گذاشته می‌شد. کتاب *ریاض الخلود* (باغ‌های جاودانگی) از ملا ابوبکر مصنف چوری، از آثار تعلیمی در سده دهم هجری است که نویسنده با تقلید ساختاری از *گلستان* سعدی کوشیده است تا در خلال تعابیر و جملات فارسی و عربی، گاه به‌صورت نثر و گاه در قالب نظم، مهم‌ترین انگاره‌های تعلیمی را از دریچه نگاه خود بیان کند. روش این پژوهش، تحلیلی - توصیفی است و نسخه استفاده‌شده کتاب *ریاض الخلود* در این تحقیق، نسخه‌ای است که به کوشش ماموستا ملاعارف مدرسی و سید محمد مصنفی چوری (تهران، ۱۳۸۷ ش.) چاپ و منتشر شده است.

۳-۱ پیشینه پژوهش

نخستین پژوهشی که آغاز آشنایی پژوهشگران با آثار ملا ابوبکر مصنف چوری و کتاب *ریاض الخلود* بود، مقاله محمد مکرری (مجله یادگار، ۱۳۲۷ ش.) است که در آن به بحث از دو نسخه خطی *ریاض الخلود* و *سراج الطریق* می‌پردازد. پس از آن، شاید مهم‌ترین پیشینه‌ای که درباره مصنف چوری می‌توان بیان کرد، کنگره بین‌المللی در بزرگداشت اوست که در سال ۱۳۹۱ و به همت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مریوان برگزار شد. در این کنگره، با ارائه مقالات متعدد مجموعه مقالاتی در همان سال منتشر شد.

همچنین عیسی احمدیان در پایان‌نامه‌ای با عنوان *تصحیح و تحقیق رساله عرفانی سراج الطریق*، تألیف سید حسن بن سید هدایه‌الله الحسینی مشهور به مصنف چوری (دانشگاه تهران، ۱۳۹۲ ش.)، به مطالعه و تصحیح این اثر ملا مصنف می‌پردازد. همچنین

احمد احمدیان در مقاله‌ای با عنوان «ریاض الخلود؛ سیاست‌نامه، شریعت‌نامه یا اندرزنامه» (نهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳ ش.)، به بررسی نوع این اثر و هدف مؤلف آن پرداخته است و بدین نتیجه می‌رسد که این کتاب در ذیل گونه‌های دوگانه «قصص و حکایات» و «سیاست و اخلاق و حکم» طرح‌شدنی و توصیف‌پذیر است. در پایان‌نامه‌ای نیز تحت عنوان تحقیق در زندگی و آثار فارسی ملا/ابوبکر مصنف چوری از مریم خداکریمیان (دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ۱۳۹۶ ش.)، پژوهشگر به بررسی زندگی و تألیفات مصنف پرداخته است؛ البته بیان مضامین تعلیمی در کتاب *ریاض الخلود*، به‌جز اشاراتی بسیار مختصر، در آن دیده نشد. بر همین اساس، این مقاله می‌تواند ضمن شناساندن این اثر گمنام در حوزه فراخانک ادب تعلیمی پارسی، به بارزترین و مهم‌ترین جلوه‌های تعلیمی و نیز اسلوب نویسنده در بیان آن‌ها پردازد.

۴-۱ ضرورت پژوهش

پس از کتابت *گلستان سعدی*، کتاب‌های بسیاری به تقلید از این اثر بی‌بدیل و تعلیمی ادب پارسی نگاشته شد. *روضه خلد* از مجد خوافی، *گنج شایگان* از میرزا ریاض همدانی، *نزهة الأرواح* از امیر حسینی‌هروی عوری (م. ۹۱۷)، *نگارستان* از معین‌الدین جوینی و... از جمله آن‌هاست. ساختار و سبک نوشتاری همه این آثار به نوعی از *گلستان سعدی* پیروی کرده است. در این میان، کتاب *ریاض الخلود* از ملا ابوبکر مصنف چوری، همچون دیگر آثار قبلی، وامدار *گلستان* است و نویسنده آن کوشیده است تا با تأملی ژرف بر ساختار و محتوای اثر سعدی، کتاب خود را به مضامین حکمی و تعلیمی و حکایات آموزنده اخلاقی بیاراید. بر همین اساس، معرفی این اثر مهم تعلیمی و ناشناخته در ادب پارسی که به تقلید از *گلستان سعدی* به رشته تحریر درآمده، ضرورت انجام این پژوهش است.

۵-۱ ملا ابوبکر مصنف چوری

محمدحسن فرزند سید هدایت‌الله بن مولانا یوسف جان ابن سید حسین (۱۰۱۴-۹۰۹ ق.) در روستای «چور» از توابع شهرستان مریوان در کردستان ایران به دنیا آمد. زادگاه ایشان در روستایی از مریوان بود؛ اما شهرت و آوازه وی در کشورهای عربی و ترکیه،

بیش از ایران است (مکری، ۱۳۲۷: ۳۸). وی در همان سنین نوجوانی، علوم گوناگون دینی و ادبی را خواند و سپس در مدارس مریوان و دیگر شهرهای کردستان، به تحصیل پرداخت. سپس عازم دمشق شد و پس از مدتی به مصر رفت و در «الأزهر» قاهره به ادامه تحصیل و علم‌آموزی مشغول شد (رک. مدرس، ۱۹۸۴: ۴۹۶؛ همان، ۱۳۶۹: ۱۲۳؛ زرکلی، ۱۹۹۹: ذیل «مصنّف»؛ روحانی، ۱۳۸۲: ۱۶۸). علامه مصنّف در حدود سال ۹۷۰ ق. به ایران بازگشت و در مریوان، نزد «هه‌لوخان اردلان» که حاکم وقت کردستان بود، به تدریس مشغول شد. ایشان در کنار تدریس و امامت در مسجد، به تألیف و تصنیف مشغول می‌شود. وی در نهایت در روستای «چور» اقامت گزید و به مصنّف چوری مشهور شد. لقب «مصنّف» بر وی، به دلیل انبوه آثار و تألیفات گران‌سنگ ایشان است؛ به گونه‌ای که آثارش را بالغ بر صد اثر برآورد کرده‌اند (به نقل از مدرس، ۱۹۸۴: ۴۹۸). او سرانجام در سال ۱۰۱۴ ق. در زادگاهش درگذشت (رک. کخاله، ۱۴۱۴ ق، ج ۳: ۷۳؛ زرکلی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۷۱؛ المحبی، ۱۲۸۴ ق، ج ۱: ۱۱۰).

دهخدا درباره‌ی او می‌نویسد: «ابوبکر بن الگورانی ابن هدایه‌الله، یکی از دانشمندان ایرانی از طائفه‌ی اکراد، ملقب به مصنّف. او راست شرح محرّر در فقه و چندین تألیف دیگر به فارسی» (دهخدا، ۱۳۲۵: ۳۸۰).

آثار ملا مصنّف عبارت است از: *سراج الطریق* (اثری عرفانی در عرفان عملی و نظری) به زبان فارسی، *طبقات الشافعیه* (رجال‌شناسی) به زبان عربی، *الوضوح شرح محرّر امام رافعی* (در فقه شافعی در ۴ مجلد) به زبان عربی و چند مجموعه اشعار به نام‌های *آفتاب عالم* و *نور خدا* و نیز کتاب *ریاض الخلود* است.

۱- کتاب تعلیمی *ریاض الخلود*

کتاب *ریاض الخلود* از آثار مهم و تأمل‌برانگیز مصنّف چوری، اثری تعلیمی و اخلاقی است که به سبک و ساختار *گلستان سعدی* و در هشت باب مدوّن شده است؛ در احوال امرا و سلاطین، احوال علما، در احوال شیخی و مریدی، احکام غزو در احوال امرا و سلاطین، در احوال اغنیا و فقرا، در نصیحت عوام، در اعتبار به اجرام علوی و سفلی و در نهایت، باب در اشیاء متفرقه، هشت باب این کتاب را تشکیل می‌دهد. از آنجاکه بیشتر

آثار ملا ابوبکر مصنف در سده دهم هجری و مصادف با دوره صفویه است، در نتیجه همان ویژگی‌ها و سبک نوشتاری این قرن، در آثار وی و به ویژه، این اثر مدنظر نیز دیده می‌شود. البته هرچند «فارسی این دوره نه تنها فخامت و جزالت نثر کهن فارسی را ندارد، بلکه گاهی حتی مُضحک و بی‌مغز و بی‌مزه است» (شمیسا، ۱۳۹۷: ۲۹۹)؛ «رواج ترکیبات عربی و عبارات خام، آوردن عبارات عربی مکرر و بی‌روح، سجج‌های متوالی، مترادفات پیاپی، تکرار تعارفات و تملق‌ها و آوردن شعرهای سست در میان نثر و... نثر این دوره را از رونق انداخته است» (بهار، ۱۳۷۳: ۲۵۵)؛ اما چنین ویژگی‌هایی بر همه نوشته‌های این قرن صدق نمی‌کند و برخی آثار از جمله کتاب *ریاض الخلود* ملا مصنف چوری، دارای سبکی متین و استوار است. نویسنده در لابه‌لای کتابش، ابیاتی را حکیمانه گاه به فارسی و گاه به عربی می‌آورد و سجج به کاررفته در جملاتش، هیچ‌گاه ملالت خواننده را موجب نمی‌شود.

روشی که مصنف در تألیف *ریاض الخلود* به کار گرفته است، شبیه همان روشی است که واعظان قدیم به کار گرفته‌اند؛ یعنی برای تأثیرگذاری بیشتر، بحث اصلی را با چند حکایت و شعر بسط می‌دهد. به عبارتی دیگر، نویسنده برای برانگیختن و ایجاد رغبت در خواننده، برای دستیابی به هدف خود که همان تعلیم و آموزش دادن و متنبه کردن مخاطبان و سوق دادن آنان به مسائل معنوی است، به آوردن حکایات پی‌درپی پرداخته است. «قسمت اعظم حکایات ما چه مشهور و چه منظوم، جنبه ادب تعلیمی دارند. گوینده نخست داستانی را روایت می‌کند و بعد از آن نتیجه حکمی، عرفانی، اخلاقی می‌گیرد» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۰۱). آوردن این روایات و حکایات متعدد به همراه جملات عربی و بیان قصص انبیا، از شناخت کامل و همه‌جانبه ملا ابوبکر مصنف، از معارف و علوم اسلامی حکایت دارد. البته پیشتر، واعظان دیگر این شیوه را در بیان مطالب اخلاقی و تعلیمی به کار برده‌اند؛ با این تفاوت که دیگر نویسندگان، حکایات و اشعار را از دیگر شاعران وام می‌گرفتند؛ اما مصنف به آوردن شعر از غیر محتاج نبوده است و مانند سعدی شیرازی، شاعری سرآمد در دوره خود بوده است و در کنار اشعار دیگر شعرا، به اشعار خود اتکا کرده است و این امر نقطه قوت اوست.

بر همین اساس با بررسی کتاب *ریاض الخلود*، به این مهم پی خواهیم برد که سبک

این اثر، به پیروی از نثرهای فاخر دوره‌های پیشین نوشته شده است و از شیوه نثرنویسی رایج پیروی کرده است که در دوره تیموریان و به تقلید از گلستان سعدی رواج یافت. نثر ساده اما دلنشین و پُرمعنای ریاض الخلود، گاهی به سوی تکلف و استفاده از عبارات عربی سوق می‌یابد؛ اما نویسنده به سرعت، عنان قلم را در دست می‌گیرد و دوباره به سوی ساده‌نویسی بازمی‌گردد. «وی برای پرهیز از خشکی و تلخی پند و اندرز و مسرت طبع، گاه در الفاظ قلیل، معانی کثیر، سخن خویش را به طبع زیور آیات، احادیث، مثل و شعر که از اندیشه ژرف او حکایت می‌کند، می‌آراید» (فرجی و صدرالدینی، ۱۳۹۱: ۴۶). در یک جمله باید گفت ریاض الخلود «چشمه‌ای زاینده است که عارف و شاعر و نکته‌سنج، هر کدام به مذاق خویش از آن توشه‌ای برمی‌دارند» (همان)؛ چنانچه خود ملا مصنف در کتابش چنین می‌سراید:

تازه کتابی است ریاض الخلود دم‌به‌دم از وی رسد نفع و سود
هر دم ازین تازه گلی می‌رسد بزم تو را جام ملی می‌رسد
(مصنف چوری، ۱۳۸۷: ۲۲۲)

ریاض الخلود دربردارنده یک مقدمه ادبی است که در آن ابتدا به ستایش خداوند و مدح و صلوات بر پیامبر اسلام (ص) پرداخته است؛ سپس در بخشی دیگر، زمان و سبب تألیف این کتاب را بیان می‌کند: «... چون در سنه تسع و ثمانین و تسعمائه (۹۸۹ ق.)، اخوان الزمان را مشغول‌الحال و پریشان‌الحال یافتم و پیر زال مکاره دنیا را مرغوب و محبوب هر کسی دیدم... از این بضاعت مزجات، عراضه نجات ساخته شود» (همان: ۱۸). ملا مصنف در پایان مقدمه‌اش، به وجه تسمیه و علت نام‌گذاری کتابش پرداخته است و هشت باب آن را به هشت در بهشتی تشبیه می‌کند که «هرکس از مضمون این ابواب مستفید شود، ایزد تعالی هشت در بهشت برو گشاده گرداند... و به ریاض الخلود نام کرده شد، امید است که موافقه نصایح آن به قاید ارباب خرد باشد به دارالخلود مع المقربین و الشهود» (همان).

آرایش لفظی و زیباسازی واژگانی، از عادت‌های نثرنویسان دوره صفوی و سده دهم هجری به شمر می‌رود - که در ریاض الخلود نیز چنین زینت کلامی دیده می‌شود؛ اما

نویسنده آن «هیچ‌گاه جانب معنی را از نظر دور نمی‌دارد و هیچ‌گاه نمی‌بینیم که به سبب درازنویسی، فقر معنی را با غنای لفظ جبران کند؛ بلکه لفظ و معنی در این اثر، گام به گام و به محاذات و موازات هم در پویه و تکامل‌اند» (احمدیان، ۱۳۹۳: ۳۰۱).

طبق تحقیق نگارنده، از کتاب *ریاض الخلود*، پنج نسخه خطی شناسایی شده است؛ یکی نسخه کتابخانه محمد مکرری که با کتاب *سراج الطریق* در سال ۱۲۳۵ ق. در یک مجلد و در ۲۰۰ صفحه تحریر یافته است (مکرری، ۱۳۲۷: ۴۳-۴۴). دیگری نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۵۴۹ که در سال ۱۳۱۶ ق. به خط نستعلیق کتابت شده است و بالغ بر ۱۶۸ صفحه است (دانش پژوه و علی انواری، ۱۳۵۹، ج ۲: ۳۲۳). نسخه دیگر در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم است که به شماره ۲۶۸۹ و در سال ۱۳۳۲ ق. و مشتمل بر ۱۳۱ صفحه نگاشته شده است (حسینی، ۱۳۸۴، ج ۷: ۱۶۸-۱۷۰). دو نسخه دیگر، یکی مربوط به کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم (حسینی، ۱۳۵۷، ج ۶: ۷) و دیگری مربوط به کتابخانه مرکزی اوقاف سلیمانیه در کردستان عراق است (قره‌بلوط و طوران، بی‌تا، ج ۲: ۸۸۴). این اثر ملاً مصنف را سرانجام در سال ۱۳۸۷، انتشارات سیروان در تهران و به کوشش ملاعارف مدرسی و سید محمد مصنفی چوری، چاپ و منشر کرد که منبع ما در این پژوهش است.

۲- بررسی مضامین تعلیمی و اخلاقی در *ریاض الخلود*

اثر تعلیمی *ریاض الخلود*، با آمیخته‌ای از شعر و داستان، کوشیده است تا بارزترین مضامین تعلیمی را به مخاطبان خود عرضه کند. ملاً مصنف «با استشهاد به آیات و احادیث و به ویژه با آوردن حکایات و نقل قول‌ها، مطالب و محتویات اثر خود را مستندسازی کرده تا بدین وسیله از تک‌گویی پرهیزد» (خداکرمان، ۱۳۹۵: ۴۳). در ادامه به بیان مهم‌ترین درون‌مایه‌های تعلیمی و اخلاقی در *ریاض الخلود* خواهیم پرداخت.

۲-۱ توصیه به راستی و درستی

ملاً مصنف در *ریاض الخلود* بارها به درست‌کرداری و راست‌گفتاری در همه امور سفارش بسیار دارد. او چنین ویژگی‌ای را به ویژه در امر حکومت‌داری بسیار

ضروری می‌داند و حتی آن را زیربنا و اساس یک ملت و دین و آیین برمی‌شمرد: «اساس مملکت داری و استحکام ملت و دین مبین به سیاست و راستکاری است» (مصنّف چوری، ۱۳۸۷: ۲۱).

نویسنده کتاب معتقد است که کژمنشی و نادرستی، انسان را از بلندی به پایین خواهد کشاند و بالعکس، راست‌منشی، آدمی را به اعلی درجه خواهد رساند:

اگر بر ذروه عزی چه کج گوئی و کج بازی
ز آثار کژی بی‌شک رسی بر ورطه سچین
و گر اندر حسیض ذلتی از راستی یابی
مقام و پایه خود را به رفعتگاه علین
(همان: ۲۲)

۲-۲ توصیه به میانه‌روی و اعتدال

اعتدال و میانه‌روی یکی از ویژگی‌ها و صفات ذاتی فرهنگ ایرانی - اسلامی است و آن را می‌توان یکی از دلیل‌های استمرار و بالندگی این فرهنگ دانست. ملا مصنّف در همه آثار خود به ویژه ریاض الخلود، دیدگاهی اعتدال‌گرایانه دارد. وی اعتدال‌گرایی را شرط عقل و ملاک تدبیر در امور اجتماعی و سیاسی می‌داند. ملا مصنّف سخن یکی از پادشاهان ایرانی را نقل می‌کند که به پسرش وصیت می‌کند: «یا بُنّیَ لَا تُوسَّعَنَّ عَلَی جُنْدِکَ یَسْتَعْنُوا عَنکَ، وَلَا تُضِیْقَنَّ عَلَیْهِمْ یَنْفِرُوا مِنکَ، أُعْطِیْهِمْ عَطَاءً قَصْدًا وَ اَمْنَعُهُمْ مَنَعًا جَمِیلاً»؛ «ای پسر به لشکر خود در انعام تبسّط منمای و فراخ مگیر که از تو مستغنی شوند و دست عطا از ایشان بازمگیر که از تو نفرت نمایند. دادن به اندازه و ندادن به قدر که هر کاری را وقتی و هر حدی را مطلعی است» (همان: ۲۲).

این نقل قول مصنّف، به نوعی بازگوکننده این سخن سعدی است که می‌گوید:

و گر تند باشی به یک بار و تیز
جهان گیرند از تو راه گریز
نه کوتاه دستی و بیچارگی
نه زجر و تطاول به یکبارگی
(سعدی شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۵۵)

مصنّف چوری در عبارت زیر، نعمت و محنت را دو امر طبیعی در مسیر حیات آدمی می‌داند و بیان می‌کند که نباید انسان در مواجهه شدن با آن‌ها، در مسیر افراط و تفریط قرار گیرد: «و کامل‌ترین مردمان کسی است که نظر نعمت، او را به حد افراط نرساند و صخره محنت او را در ورطه تفریط نیندازد» (مصنّف چوری، ۱۳۸۷: ۲۴).

۳-۲ توصیه به صبر و بردباری

زینت هر انسانی، بردباری و شکیبایی در زمان سختی و مشکلات است. مصنف چوری در تعریف «حلم»، آن را در مشورت با خردمندان و دانایان و نیز هم‌نشینی با علما و حکمای دلسوز و صاحب اخلاص می‌داند: «اصل حلم آن است که در امور واقع، از رأی اهل خرد و کیاست و ارباب صاحب ممارسات برنگردد و انحراف نورزد و از مجالسه حکیم مشفق و عالم مخلص دوری نجوید» (همان: ۲۳). شاید چنین تعریفی از بردباری، از آن‌روست که انسان در رویارویی با مشکلات و حوادث، عنان از کف ندهد و تصمیم نابه‌جا و اشتباهی نگیرد که فرجامش پشیمانی و افسوس باشد.

صفت صبر به‌ویژه برای شاهان و امرا، بایسته و شایسته است؛ زیرا «حلم زیباترین حلی و نیکوتر خصلتی است ملوک را؛ زیرا که فرمان ایشان در اموال و دماء و فروج روان است» (همان). و باز نویسنده در جایی دیگر با ستودن صفت حلم برای حاکمان، آن را مُلک ثابت و دولت مستدام می‌داند: «اما نیکوترین سیرتی که ملوک را در همه حال به کار آید و ملوک از آن مهیب و مکرم باشند و لشکریان و رعیت ازو خوشنود شوند، ملک ثابت و دولت مستدام حلم است» (همان: ۲۳).

۴-۲ توصیه به عدالت

عدالت‌ورزی از ویژگی‌های بسیار مهم انسان است و «همواره جزء مهم‌ترین خواسته‌های انسان در حوزه عمل و جزو نخستین تأملات فکری در حوزه نظر به شمار آمده است» (آرتا و نورایی، ۱۳۹۴: ۵). نظر به چنین اهمیتی که عدالت دارد، ملا مصنف در *ریاض الخلود* به آن توجه و اهتمام داشته است. وی در ابیات زیر، با تکرار واژه «عدل»، به نوعی بر اهمیت آن و ترغیب مخاطب بر متصف شدن به آن تأکید می‌ورزد:

عدل بود پرتو نور قدیم	عدل بود فاتح باب نعیم
عدل بود سایه پروردگار	عدل بود روشنی روزگار
سیرت ارباب یقین است عدل	نور جهان مایه دین است عدل
عامر دنیا و مزید بلاد	حامی دین ماحی ظلم و فساد
نیست به جز عدل درین کائنات	برتر از آن است ز جمله صفات

هر مَلکی کو بودش عدل و داد تا دم صورش به جهان عمر باد
(مصنف چوری، ۱۳۸۷: ۳۳)

نویسنده کتاب معتقد است که نداشتن عدالت، موجب ذلت و خواری آدمی در روز واپسین خواهد شد:

چو دانی که دنیا ندارد بقا مکن تکیه بر ملک و مال ای فتی
چه عدلت نباشد سرانجام کار به روز قیامت شوی خوار و زار
(همان: ۴۰)

۲-۵ توصیه به علم همراه با عمل

از آفات علما، عمل کردن به علم و دانش خویش است؛ ملا مصنف چنین مضمونی را با تشبیهی ظریف بیان کرده است و در آن، علم را مانند نرینه و عمل بدان را مادینه می‌داند که از لقاح آن، کار و بار دین و حکومت سروسامان خواهد گرفت؛ به باور نویسنده، هم‌چنان‌که علم بدون عمل بی‌سود است، کار بدون دانش نیز سودی در بر نخواهد داشت:

علم را نر شمر عمــــل ماده دین و دولت از این دو شد زاده
علم بی کار زنده در گور است کار بی علم تخم در شور است
(همان: ۶۱)

۲-۶ توصیه به دوری از حرص

حرص و آز از صفات ناپسند آدمی است. آنگاه که آز بر فرد حاکم شود، او را به انسانی متجاوز و بدکار مبدل می‌کند و آنگاه که بر جامعه‌ای حاکم شود، جامعه به سمت تجاوز و زیاده‌روی و خودبینی گرایش می‌یابد (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۱۴). ملا مصنف چوری، حرص را ریشه و اساس همه پلشتی‌ها و صفات ناپسند آدمی می‌داند؛ زیرا معتقد است «حرص همه مکارم اخلاق است؛ زیرا که کسب حرام و ارتکاب محارم و ایذای مخلوق و قطع رحم و فرقت احباب و تباغض و تحاسد و حقد و سایر اخلاق ذمیمه را منشأ و مبانی حرص است» (مصنف چوری، ۱۳۸۷: ۱۳۷)؛ از این‌روست که نویسنده حرص را همچون سرابی می‌داند که فریب‌دهنده آدمی است و بسان آب شوری است که هرچه آدمی از آن نوشد، بر تشنگی‌اش افزوده خواهد شد:

چون سراب است حرص تشنه فریب طالب او چه سیل سر به نشیب
 آب شور است حرص تو سفری تشنگی بیش گرچه بیش خوری
 (همان: ۱۳۷)

۷-۲ توصیه به قناعت

قناعت از جمله صفات اخلاقی والا و متعالی در زندگی انسان است؛ زیرا «مدینه فاضله‌ای که هدفش به سعادت رساندن انسان‌هاست، جایگاه انسان‌های قناعت‌پیشه است» (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۳۰۹). صفت قناعت هم‌چنان‌که آدمی را از دل‌بستگی افراطی به مال و منال دنیا باز می‌دارد، گاهی نیز انسان را از در یوزگی و فقرنمایی در برابر دیگران باز خواهد داشت. ملا مصنف چوری با توصیه به قناعت، به تقویت خویش‌داری و مقاومت انسان در برابر جاذبه‌های حرص‌انگیز جهان می‌پردازد. او شرف و سربلندی در دو جهان را در گرو قناعت‌پیشگی می‌داند و در مقام مقایسه، قناعت را موجب عزت آدمی و طمع را مایه خواری و ذلتش می‌داند:

گر همی‌بایدت شرف به دو گوئ رو قناعت طلب فنعم العون
 چون قناعت بود تو را آیین از قناعت رسی به چرخ برین
 از طمع رفعت تا ثری قارون وز قناعت مسیح بر گردون
 هرکه لذت خرید و عز فروخت آتشی از برای خود افروخت
 طمعت ذل دان قناعت عز ایاً منه‌ما آردت فخذ^۲
 (مصنف چوری، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

نویسنده در ادامه، عبارتی را از اردشیر ساسانی نقل می‌کند که می‌گوید: «من قنع استراح من اهل زمانه وفاق علی أقرانه»؛ «هرکه قانع باشد، از اهل زمان خویش آسوده بوده است و بر هم‌عصر خود برتری خواهد یافت» (همان).

در نظرگاه نویسنده، قناعت موجب تأثیر سخن‌گوینده بر شنونده خواهد شد و در مقابل، طمع‌خواهی در سخن، دشمنی و عداوت را به بار خواهد آورد:

هر سخن کو به وجه طمع رود بغض کار و عداوتی درود
 وان سخن کان به بی‌طمع رانی در فروشی و عزت استانی
 (همان: ۱۴۲)

۸-۲ توصیه به به فریفته‌نشدن به ایام جوانی

روزگار جوانی بهترین دوره از حیات بشر برای استفاده از امکانات مادی و معنوی است. ملا مصنف چوری با درک این حقیقت، او از جوان می‌خواهد که قدر روزگار خود را بداند و عمر خود را در مسیر درستی صرف کند؛ زیرا در پس قوت و سلامتی، پیری و بیماری در کمین است:

جوانا عمر خود دریاب دریاب به پیش از مردنت در خیر بشتاب
 مشو غرّه به اسباب جوانی که قوت رفتنی دان عمر فانی
 پس از قوت چه ضعف پیری آید بداند هیچ مغروری نشاید
 (همان: ۱۶۵)

نویسنده در تکمیل این اندرز تعلیمی، به حدیثی از رسول خدا (ص) استشهاد می‌کند که فرمود: «اغتنم خمساً قبل الخمس: شبابک قبل هرمک...»؛ «پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بدان: یکی جوانی قبل از پیری است...» (به نقل از همان). مصنف در توضیح این روایت چنین می‌گوید: «یعنی در ریعان جوانی و اوان قوت، در مساعی خیرات و اعمال صالحه، کوشش جزیل و سعی جمیل به کار دار و آن عاریه را غنیمت شمر که قادم پیری او را بازخواهد خواست» (همان).

۹-۲ توصیه به اغتنام فرصت

نویسنده به ناپایداری دنیا و زودگذری عمر اشاره می‌کند و هر جا فرصت می‌یابد، مخاطب را به عبرت‌پذیری فرامی‌خواند:

بهار عمر را دریاب دریاب دمامد در نجات خویش بشتاب
 که چون باد خزان آید پدیدار بریزد برگ در دامن خار
 (همان: ۱۹۴)

وی در ابیاتی دیگر، باز جوان را خطاب قرار می‌دهد و او را به بهره‌گرفتن از فرصت‌های زندگی فرامی‌خواند:

جوانا چون جهان را رسم این است مشو غافل تو را گر عقل و دین است
 زبهر آن جهانت توشه برگیر که کاری از تو ناید چو شوی پیر

درآور خویش را در بزم تحقیق ز حق جو تا توانی راه توفیق
(همان: ۱۹۵)

۲-۱۰ توصیه به دوری از شخص سفله و ناسپاس

ملا مصنف چوری با نگاهی جامعه‌شناختی به مسائل اخلاقی، مخاطب خویش را به دوری از افراد ناسپاس و سفله فرامی‌خواند و با تشبیهی ظریف، سگ را در مقام وفا، بسی بهتر از شخص ناسپاس می‌داند:

تا توانی ز ناسپاس ببر خوش مثل زد سبکتکین با ایاس
کو همین نان خور است انبان در سگ بود به ز مرد حق‌نشناس
(مصنف چوری، ۱۳۸۷: ۲۵۰)

نویسنده سپس این مثل عربی را یادآور می‌شود که: «أَعْطُوا الْكِلَابَ الْعَاوِينَ، وَلَا تَعْطُوا الْأَوْغَادَ الْعَاوِينَ»، آنگاه می‌گوید: «یعنی سگ‌های پاسبی را نان بدهید و سفله ناسپاس را هیچ خیری ندهید که به نان‌دادن، سگ از ایدای تو اعراض نماید و سفله به دریدن تو متعرض شود» (همان: ۲۲۰).

وی آنگاه دوباره با برتری‌دادن سگ بر انسان سفله و ناسپاس، بیان می‌دارد که شخص سفله با وجود بخشیدن صدها نعمت به وی، به یکباره و به محض دورشدن از سفره نعمت، خوی درنده‌خویی و ناسپاسی‌اش آشکار می‌شود:

بیا بشنو ایا مرد خردمند به گوش سر ز اهل دانش این پند
که گر سفله ز نسل حور باشد چه یوسف حُسن او مشهور باشد
به سگ نان ده مده آن سفله را نان که سگ بهتر بود از سفله ای جان
که سگ گر نان خورد گردد تو را رام ندرد گر به چشم او نهی گام
و گر سفله ز تو صد ناز بیند به ذمت از همه بالا نشیند
چه یک روزی ز خوان تو شود دور بدرد پوست تو چون رق منشور
(همان)

۲-۱۱ در فضیلت سکوت و خاموشی

زبان را به مثابه ترجمان عقل و اندیشه و شخصیت آدمی دانسته‌اند. در فرهنگ اسلامی

و دینی، پُرگویی و بسیار سخن گفتن از معایب دانسته شده و همواره به سکوت توصیه شده است. ملا مصنف در ریاض الخلود، سکوت را بر زیاده‌گویی ترجیح می‌دهد و آن را نردبان رهایی می‌داند: «الصَّمْتُ سَلْمُ الْخَلَاصِ وَالنُّطْقُ يُجِسُّ الْبَلَابِلَ فِي الْأَقْفَاسِ رَبُّ كَلِمَةٍ يُرْذِيكَ وَرَبُّ صَيْحَةٍ تَذْبِجُ الذِّكْرَ!»؛ یعنی سکوت نردبان خلاص است و نطق موجب گرفتاری بلبان در اقفاس است؛ ای بسا کلمه بی‌وقت که کار تو را هلاک می‌سازد و بانگ بی‌گاه خروس را سر می‌اندازد. شمشیر زبان را در غمد نگهدار و سگ گفتار را از دریدن دیگران مقید دار» (همان: ۲۲۲).

سعدی شیرازی در همین مضمون، سکوت‌گزیدن در گوشه‌ای همچون گَر و لال را بهتر از کسی می‌داند که زبانش در اختیارش نیست و هرگونه سخنی را بر زبان می‌راند:

زبان بریده به کنجی نشسته صمِّ بکم به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم
(سعدی، ۱۳۶۸: ۲۲)

نویسنده آنگاه در ابیات زیر و به صورت منظوم، مضمون فوق را به زبان شعر بازگو می‌کند:

نردبان خلاص دانی چیست؟	گویمت گر تو را عقول زکی است
هست خاموشی ات ز گفتن زشت	از کلام خشین و قول درشت
هر خروسی که خواند او بی‌گاه	سر او را همی برنهد به گاه
در غلاف دهان حسام زبان	گر بداری ز بدتر است امان
با زبان تو هست کلسب عقور	هست او را دریدن دستور
گر تو خواهی رضای ذی‌الملکوت	بند کن کلب را به قید سکوت

(مصنف چوری، ۱۳۸۷: ۲۲۳)

۲-۱۲ توصیه به بی‌ارزش بودن دنیا

فانی بودن سرای دنیا و دل‌بسته‌نبودن به زرق و برق آن، همواره توصیه حکما و معلمان اخلاق بوده است. بر همین اساس، بی‌ارزشی دنیا و حقارت آن، مضمون دیگر در کتاب ریاض الخلود است؛ مصنف چوری معتقد است به چشم حقارت نگرستن به دنیا، آدمی را به خداوندش نزدیک و خالص می‌گرداند:

به حقارت نگر درین دنیا تا شوی خاص بنده مولا
گر ز اولاد با زمان جهان خنده‌ای آیدت ز جان روان
بازگردان به گریه آن خنده تا شود نام تو خدا بنده
(همان: ۱۲۵)

۲-۱۳ شیوه‌های ملا مصنف چوری در بیان مضامین تعلیمی

۲-۱۳-۱ بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و احادیث

«واکاوی آثار ادبی با تکیه بر آرایه‌های سخن و هرگونه شگردی که کلام را از سطح زبان به سطح ادب فراببرد، در فرایند معناسازی از اهمیت بسزایی برخوردار است، به‌گونه‌ای که کشف لایه‌های پنهانی متون به درک تازه‌ای از خواندن متن می‌انجامد» (علیخانی ثانی ابدال آبادی و میر، ۱۳۹۵: ۱۵۳). در این میان، آیات و احادیث همانند شگردی ادبی در هر دوره‌ای از ادب فارسی، با توجه به مقاصد و اهداف شاعران و نویسندگان، در بیان مقصودی خاص استفاده شده‌اند. ملا مصنف نیز بسان دیگر ادبای وادی تعلیم و اخلاق، تلاش کرده است تا سخن خود را با زیور آیات و احادیث بیاراید و این، «یکی از فنی‌ترین مختصات نثر ریاض الخلود» (احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۱) به شمار می‌آید. چنین شیوه‌ای «به تقلید از نثر عربی در نثر فارسی راه یافته و به صورت رکنی فنی و زینتی، در بیشتر اقسام نثر به کار رفته و در طی دو قرن شش و هفت در مسیر تحوّل و تکامل به نهایت تکلف و تصنع رسیده است» (خطیبی، ۱۳۸۶: ۱۹۷). البته به دلیل اینکه ریاض الخلود، کتابی اخلاقی و پندآموز در حوزه فردی و اجتماعی است، در بیشتر اوقات استفاده از آیه و حدیث، درحقیقت القای حکمت و تعلیم به خواننده است. به برخی از اقتباسات تعلیمی ملا مصنف چوری از آیات و احادیث اشاره می‌شود:

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (الإسراء: ۲۹) ترجمه: «و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده برجای مانی» (نهی از افراط و تفریط در کارها) (مصنف چوری، ۱۳۸۷: ۲۲).

«وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأُنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹) ترجمه: «و اگر

تندخو و سخت دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (نهی از خشونت و تندی) (مصنّف چوری، ۱۳۸۷: ۲۳).

«اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (المائده: ۸) ترجمه: «عدالت بورزید که آن به تقوا نزدیک‌تر است» (توصیه به عدل و داد) (مصنّف چوری، ۱۳۸۷: ۳۱).

«مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (النحل: ۹۶) ترجمه: «آنچه پیش شماست تمام می‌شود و آنچه پیش خداست پایدار است» (توصیه به وابستگی نداشتن به دنیا) (مصنّف چوری، ۱۳۸۷: ۶۳).

«لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (الحديد: ۲۳) ترجمه: «تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است، شادمانی نکنید» (نهی از دلبستگی به خوشی‌ها و ناخوشی‌ها) (مصنّف چوری، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

از جمله روایات و احادیث تعلیمی در *ریاض الخلود*، می‌توان به این روایات اشاره کرد: «عَدْلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً» (در توصیه به عدل؛ همان: ۳۱)، «لِيَغْضَبَ اللَّهُ إِذَا مُدِحَ الظَّالِم» (در نکوهش ستایش ظالم؛ همان: ۶۷)، «حُبُّ الدُّنْيَا يُمِيتُ القَلْبَ» (در نکوهش دنیاپرستی؛ همان: ۷۹)، «الحريصُ الهَيَامُ و عرضُ الدُّنْيَا كالماءِ المِلْحِ كَلَّمَا از دَادَ شُرْبُهُ از دَادَ عَطَشُهُ» (در نکوهش حرص ورزی؛ همان: ۱۳۷)، «مَنْ قَنَعَ بِمَا آتَاهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا يَتَمَنَّاهُ فِي العُقْبَى» (در توصیه به قناعت؛ همان: ۱۴۱).

۲-۱۳-۲ آوردن نقل قول‌های تعلیمی و اخلاقی از بزرگان ایران باستان

پند و اندرزهای منقول و به‌جای‌مانده از شاهان و بزرگان ایرانی در دوره پیش از اسلام، بعدها تأثیر خود را بر گستره فرهنگ و ادب اسلامی و بر آثار شاعران و نویسندگان فارسی و حتی عربی نهاد. «این سخنان تا دوره اسلامی به‌طور شفاهی حفظ شده، سپس در آغاز عصر اسلامی توسط موبدان زرتشتی به‌صورت مدون درآمده است و سپس به‌دلیل غنای اخلاقی - معنوی، این آثار مورد توجه قرار گرفته و به زبان عربی برگردانده شده است» (خسروی، ۱۳۸۶: ۱۸ با کمی تلخیص). بر همین اساس، تأثیر جنبه‌های تعلیمی ایران باستان در آثار سده‌های آغازین اسلامی مانند شاهنامه فردوسی، قابوس‌نامه و... بیانگر اهمیت و آوازه این‌گونه آثار اندرزی پهلوی در آن روزگار است که

«در آثار ادب فارسی و نیز نوشته‌های ایرانیان به زبان عربی، بسیار مشاهده می‌شود»^۳ (محمدی ملایری، ۱۳۸۰: ۲۵۹).

با توجه به چنین اهمیتی که سخنان حکمی و تعلیمی منقول از ایران باستان دارد، ملا مصنف چوری نیز از چنین ظرفیتی در *ریاض الخلود*، بهره گرفته است و در ابواب مختلف این کتاب و به فراخور موضوعات اخلاقی که مطرح شود، به برخی سخنان بزرگان و شاهان ایران باستان و حکایات مربوط به آن‌ها اشاره می‌کند؛ در ادامه برای نمونه به برخی از این نقل قول‌ها اشاره می‌شود:

– اردشیر بابکان

صاحب *ریاض الخلود* در برخی صفحات، از گفته‌های اردشیر ساسانی بهره می‌گیرد؛ از جمله اینکه در موضوع بخشش و سخاوت و ارتباط آن با استحکام پایه‌های یک حکومت، به سخنی از اردشیر استناد کرده است:

«رَمَّمُوا جُدْرَانَ الدَّوْلَةِ بِتَشْيِيدِ الْعَطَاءِ، وَالْقَوَا قَرَاتِيسَ الْمُلْكِ بِخَيْطِ السَّخَاءِ: یعنی دیوار دولت را مرمت کنید به گنج‌کاری عطا و کاغذ ملک را به هم چسبانید به رشته سخا؛ زانکه دیوار بی مرمت به بارانی خراب و کاغذ اوراق و فرتوت به بادی در اضطراب است» (مصنف چوری، ۱۳۸۷: ۳۰).

ملا مصنف چوری در جایی دیگر و در بیان اندرزهای تعلیمی به سلاطین و پادشاهان، سخنی از اردشیر را بازگو می‌کند که داشتن نیروی انسانی کافی، ثروت، آبادانی، عدالت و سیاست را لازمه یک حکومت می‌داند:

«لَا مُلْكَ إِلَّا بِالرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ إِلَّا بِالْمَالِ وَلَا مَالًا إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَلَا عِمَارَةً إِلَّا بِالْعَدْلِ وَلَا عَدْلًا إِلَّا بِالسِّيَاسَةِ» یعنی: «ملک و جهان‌داری بی فرمان و عساکر ممکن نیست و تأهب مردمان و عساکر بی مال در حصول نیاید و مال بی آبادانی و عمارت و زراعت قوام نپذیرد و آبادانی و زراعت بی عدل و سیاست در وجود نیاید» (همان: ۲۱).

– انوشیروان

حکایات و سخنان منقول از انوشیروان نیز دست‌مایه دیگر ملا مصنف چوری در استحکام بخشیدن به مضامین تعلیمی و اخلاقی در کتابش است؛ از جمله اینکه انوشیروان

در سخن زیر، با نكوهش راحت طلبی و خودخواهی در برابر اذیت و آزار دیگران، آن را سبب قحطی و مصیبت دانسته است: «انوشیروان در وصیت هرمز چنین تقریر می فرمود: "یا بُئَى لَا تَطْلُبُ رِضَاءَ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فِي أُذَى نَفُوسٍ مُتَعَدِّدَةٍ إِذْ ذَاكَ سَبَبٌ لِقَحْطِ الْفَلَائِ وَجَلْبِ الْبُلَاءِ": یعنی ای پسر، مَطْلَبِ رضای تن تنها، در رنجش تنهای متعدده، که اگر راحت تنی طلبی به اذاء چند تن، سبب گرانی نرخها و ارزانی بلاها می باشد» (همان: ۲۱۵).

ملا مصنف در بیان جایگاه انسانها و نوع خاص رفتار با هریک از ایشان، به سخنی از انوشیروان استناد می کند که در توصیه ای به وزیر خود گفته است: «انوشیروان به وزیر خود وصیت می کرد و می گفت: با ابناء زمان به چهار نوع عمل می باید نمود: با اشرار و فجّار و اهل عناد و فساد به سیاست و با اوساط و دهاتین به بذل و لطایف و با علما و حکما به تواضع و حرمت و با سفله و اراذل به پند و نصیحت» (همان: ۲۱).

صاحب ریاض الخلود در بخشی دیگر از کتابش و به استناد به سخن انوشیروان، به تقسیم بندی از سرشت مردمان پرداخته است و آنها را نیکوکار، بدکار و میانه رویان قسمت می کند: «اندر کلمات انوشیروان عادل آمده است که: سرشت خلایق در اصل خلقت بر سه طبقه است: خاصّة الأبرار؛ خاصّة الأشرار؛ أوساط الناس؛ با خاصّة الأبرار لطف و نرمی و دلنوازی می باید نمود و با خاصّة الاشرار، عنف و غضب و شدت به کار باید داشت و با اوساط، نرمی و شدت رعایت می باید کرد، تا بطر و نفور بدوشان راه ندهد» (همان: ۲۴-۲۵).

انوشیروان در حکم نامه ای که برای هریک از والیان و کارگزاران حکومتی خود می نوشت، آنها را به چهار امر توصیه می کرد: «و چون کتاب حکم به عاملی می فرستاد، دبیر را می فرمود که جای چهار کلمه بگذار که آن چهار کلمه را به خط خویش ترقیم می نمایم و آن کلمات این بود: "سُدْ خِيَارِ النَّاسِ بِالْمَحَبَّةِ وَ أَمْزِجْ لِلْعَامَّةِ الرَّغْبَةَ بِالرَّهْبَةِ وَ تَسْتَرْ سَفَلَةَ النَّاسِ بِالْأَخَافَةِ وَ سَوِّ بَيْنَ الْخَطِيرِ وَ الْحَقِيرِ فِي الْعَدْلِ وَ الْإِثَابَةِ"» (همان: ۲۵).

– هوشنگ

هوشنگ از دیگر پادشاهان ایرانی است که نام و سخنانش در ریاض الخلود آمده است. وی راه به دست آوردن دلها را بخشش و پنهان کردن عیوب می داند: «هوشنگ

پادشاه پیشدادیان است و پادشاه با عدل و سیروت بوده است و از فرط معدلت، پیشداد نام نهادند. روزی وزیرا را گفت: ای شاه بِمِ یحصلُ جلبُ القلوب؟ هوشنگ جواب داد علی الفور: بإعطاء المطلوب و إخفاء العیوب. یعنی وزیر گفت: ای شاه کشش دل‌ها و اطاعت تنها به چه خصلت از خصال امرا مربوط است؟ هوشنگ به بدایت جواب داد: هرچه مطلوب ایشان است بدهی و چشم را در عیوب ایشان راه ندهی» (همان: ۲۱۱).

ملا مصنف در نقل سخنی دیگر از هوشنگ پیشدادی، بد اخلاقی را موجب دل‌آزردگی بزرگان و تباهی روزگار می‌داند: «"الخلقُ السیئُ یوحشُ الکرامَ و یفسدُ الأیامَ"؛ یعنی درشتی خلق و گره پیشانی و ترک ملاطفت، مردمان کرام را از در می‌راند و مجلس از اختیار کرام خالی می‌ماند. رایات خذلان به پا می‌شود و ایام دولت تباه می‌گردد» (همان).

علاوه بر پادشاهان نامبرده از ایران پیش از اسلام، سخنانی تعلیمی و اخلاقی از طهمورث (همان: ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۷)، بهرام گور (همان: ۲۱۶) و بزرگمهر (همان: ۲۳۱)، در کتاب ریاض الخلود دیده می‌شود.

۲-۱۳-۳ استفاده از ضرب‌المثل‌های عربی با مفهوم تعلیمی - اخلاقی

مثل، از یک سو «آیینة حکمت‌ها و تجارب یک ملت در طول تاریخ است» (امیری، ۱۳۸۹: ۷۴) و از سوی دیگر، «گویایی آن‌ها در عین کوتاهی آن‌هاست» (فقهی و رضایی، ۱۳۸۹: مقدمه)؛ از همین رو بی‌دلیل نیست که نویسندگان و ادبای آثار تعلیمی در نوشته‌های خود، از ظرفیت اخلاقی ضرب‌المثل‌ها برای بیان مفاهیم مدنظر خویش بهره می‌برند. از دیگر ویژگی‌های سبکی در ریاض الخلود، استفاده از ضرب‌المثل‌های فراوان به زبان عربی است که نویسنده با آن‌ها کوشیده است تا مقصود خود را بهتر به خواننده منتقل کند؛ اینک به بیان برخی از این ضرب‌المثل‌ها پرداخته می‌شود:

- مَن تَعَجَّلَ أخطأَ وَمَن تَأَنَّى أَصابَ (مصنف چوری، ۱۳۸۷: ۴۶)؛ ترجمه: «هرکه شتاب ورزید، به اشتباه دچار می‌شود و هرکه با آرامش کاری نمود، به هدف خواهد رسید.»
- کلُّ شیءٍ یرجعُ إلی أصلِهِ (همان: ۷۹)؛ ترجمه: «هر چیزی به اصلش بازمی‌گردد.»
- أنظُرْ فی الأمورِ إلی آخرِها لا إلی مَبَادِئِها (همان: ۲۴)؛ ترجمه: «به سرانجام و پایان کارها بنگر و به آغاز آن.»

- الصُّحْبَةُ تُؤَثِّرُ (همان: ۲۳)؛ ترجمه: «هم‌نشینی تأثیرگذار است.»
 - الْأَطْعِمَةُ يُصْلِحُهَا الْمِلْحُ وَإِذَا فَسَدَ الْمِلْحُ لَا يُصْلِحُهُ شَيْءٌ (همان: ۲۳)؛ ترجمه: «نمک موجب سلامت خوراکی‌ها می‌شود، اما اگر نمک فاسد شود، چیزی آن را درست نگه نمی‌دارد.»^۴

- الطَّبَائِعُ مَائِلَةٌ إِلَى مَنْ وَاسَّاهَا (همان: ۸۲)؛ ترجمه: «سرشت‌ها به‌سوی کسی که او را کمک می‌کند، تمایل دارد.»

- الْحَرُّ يَكْفِيهِ الْإِشَارَةُ (همان: ۲۴۷)؛ ترجمه: «عاقلان را اشارتی بس است.»

- أُجِعَ كَلْبِكَ يَتَّبَعَكَ (همان: ۲۲)؛ ترجمه: «سگ را گرسنه دار تا از تو پیروی کند.»

۲-۱۳-۴ ذکر ابیات تعلیمی فارسی و عربی

ملا مصنف چوری به تقلید از سعدی در گلستان، کلام منثور خود را با ابیاتی فارسی و عربی و گاه ملامع^۵ آمیخته کرده است. پاره‌ای از این ابیات، از سروده‌های نویسنده است، بعضی دیگر از شاعران و سراینده‌گان دیگر است که البته نویسنده گاه از آن‌ها نام برده و گاه نیز نامی نمی‌برد. در آغاز این نوشتار و در بیان مضامین تعلیمی در کتاب ریاض‌الخلود، به برخی از ابیات تعلیمی اشاره شد؛ اینک به ابیاتی دیگر در این کتاب که دربردارنده مضمون تعلیمی و اخلاقی است، اشاره می‌شود:

- در فضیلت قناعت (همان: ۲۲۴):

رو قناعت پیشه کن گر بایدت ملک بقا
 کز قناعت می‌توانی یافت اسرار خدا
 - در توصیه به هم‌نشین‌نشدن با بدان (همان: ۲۳):

تا نگردی قریب بی‌خردان
 که نیکوکار، بد شود ز بدان
 با بدان کم‌نشین که بد مانی
 خوپذیر است نفس انسانی

- در نکوهش حرص (همان: ۱۳۹):

حرص نقشی است هیچ اندر زیر
 نکند هیچ، هیچ کس سیر
 تا قیامت نخورده مهمانش
 یک شکم نان سیر بر خوانش

- در توصیه به صدقه و انفاق (همان: ۱۶۴):

ز خرمن بده حصّه‌ای خوشه‌چین
 که تا باشدت توشه‌ای روز دین

چه از حقّ خطاب فلا تَنهَر^۶ است عطايت به سائل تو را بهتر است
 تمّتّع چه خواهی ز دنیا و دین فَأكْرِمْ وَلَا تُطْرِدِ السَّائِلِينَ^۷
 - در غنیمت شمردن ایام جوانی (همان: ۱۶۷):

گر ز جوانی تو نکوشی برین کی بودت راه به خُلسد برین
 زانکه ز پیری رسدت کاهلی کاهلی آرد رقمی غافللی
 دست تحیر چه گزی آن زمان عمر تو چون باز نگرده بدان
 فرط ندامت ندهد هیچ سود هیچ مگولیت شَبابی یَعُوذُ^۸

۳- نتیجه‌گیری

به هر اثر و نوشته ادبی که هدفش ارشاد و تعلیم و رهنمود به سوی نیکبختی و رستگاری با تهذیب اخلاقی باشد، ادبیات تعلیمی می‌گویند. این گونه ادبی، یکی از فنون رایج در ادب فارسی است و نویسندگان و شاعران بسیاری کوشیده‌اند تا در یک اثر مستقل و یا در لابه‌لای کتاب‌ها و اشعار خویش، از مفاهیم اخلاقی و تعلیمی استفاده کنند. یکی از آثار ارزشمند و گمنام در حوزه ادب تعلیمی، کتابی از ملا ابوبکر مصنّف چوری، با نام ریاض الخلود است. نویسنده این کتاب را در سده دهم هجری و به تقلید از سبک و سیاق گلستان سعدی، به رشته تحریر درآورده است. این اثر در هشت باب تدوین یافته و نویسنده در آن کوشیده است تا بارزترین موضوعات تعلیمی و اخلاقی را برای خوانندگان خود به ترسیم بکشد. در این نوشتار، پس از آشنایی با ملا مصنّف چوری و کتاب ریاض الخلود، این نتایج به دست آمد:

- سبک نوشتاری ریاض الخلود، سبکی روان و دلنشین است و ملّا مصنّف چوری در آن همچون گلستان سعدی، آمیخته‌ای از شعر و داستان، همراه با آیات و احادیث و ضرب‌المثل‌ها را برای بیان مفاهیم اخلاقی و تعلیمی خویش به کار گرفته است.

- ملا مصنّف چوری در ریاض الخلود، بارزترین مضامین تعلیمی را در قالب حکایات و سخنان حکمت‌آمیز بیان کرده است؛ مضامینی مانند توصیه به راستی و درستی، ستایش قناعت و صبر، نهی از حرص و طمع، توصیه به اعتدال و میانه‌روی و

- اندرزنامه‌ها و سخنان اخلاقی و حکمی شاهان و بزرگان ایرانی در پیش از اسلام، منبع مناسبی برای غنای مضمونی و معنایی هر نوشته تعلیمی است؛ ملا مصنف نیز از چنین سخنانی در اثر خود بهره برده و در لابه‌لای ریاض‌الخلود، سخنانی از اردشیر، انوشیروان، بزرگمهر و... را در موضوعات مختلف بیان کرده است.

- ملا مصنف مانند یک نویسنده چیره‌دست و آگاه به جامعه خویش، برای همراهی خواننده با خود و نزدیک کردن راه برای اثبات یک موضوع، از حکایات و داستان‌های متفاوتی بهره می‌گیرد.

- ریاض‌الخلود هرچند جزو آثار منثور در ادبیات تعلیمی فارسی است، نویسنده آن در بیان موضوعات اخلاقی و تعلیمی در کتابش، از اشعار فارسی و عربی استفاده می‌کند و مانند گلستان سعدی، کلام منثور را به زیباترین شیوه با کلام منظوم درهم آمیخته است.

- کاربرد ضرب‌المثل‌ها به دلیل برخورداری از معانی بسیار، در عین ایجاز بودن، همواره مدنظر نویسندگان ادب تعلیمی بوده است. ملا مصنف چوری نیز با بهره‌گیری از چنین خصیصه‌ای، برخی ضرب‌المثل‌های عربی را به فراخور مباحث تعلیمی مطرح‌شده در کتابش ذکر می‌کند.

- اقتباس و به‌کارگیری آیات قرآنی و روایات نبوی، از شیوه‌های دیگر ملا مصنف چوری در نقل مضامین تعلیمی است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر تزیین عبارات و آرایش کلام با متون دینی، در تلفیق معانی اخلاقی با آموزه‌های وحیانی می‌کوشد.

پی‌نوشت

۱. ادبا و شاعران و نویسندگان کرد، علاوه بر سعدی، به بسیاری دیگر از شاعران و ادبای فارسی توجه داشته‌اند. حافظ شیرازی یکی دیگر از این چهره‌های تأثیرگذار است که شاعران کردستان از اشعار و غزلیاتش تقلید کرده‌اند (رک. پارسا، ۱۳۸۸: ۲۹-۲۰۹).

۲. ترجمه مصراع دوم: هرکدام از آن دو را (طمع یا قناعت) که می‌خواهی، انتخاب کن.

۳. در یک تقسیم‌بندی، ادبیات تعلیمی فارسی را دارای سه شاخه دانسته‌اند: (۱) اندرزهای

ایران باستان؛ (۲) اخلاقیات فلسفی؛ (۳) اخلاقیات اسلامی (رک. مشرف، ۱۳۸۹: ۱۲ به بعد).

۴. معادل فارسی آن: هرچه بگنجد نمکش می‌زنند، وای به روزی که بگنجد نمک.

۵. ملمّع شعری است که شاعر در آن «مصرعی یا چند مصرع یا بیتی یا ابیاتی را به عربی و مصرعی یا چند مصرع یا بیتی یا ابیاتی را به فارسی بسراید» (رک. رسولی، ۱۳۹۴: ۷)؛ مانند این بیت حافظ: ألا یا ایها السّاقی أدِرْ كأساً وناولها/ که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها.

۶. اشاره به این آیه الهی: «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَاتَنْهَرْ»: و اما مستمند را از خود مرنجان (ازخود مران) (الضحی: ۱۰).

۷. معنای مصراع دوم: گرامی‌دار و مستمندان را از خود مران!

۸. لیت شبابی یعود: ای کاش جوانی‌ام باز گردد!

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آرتا، محمد؛ نورایی، الیاس (۱۳۹۴)، «بررسی مضامین مشترک اخلاقی و حکمی در نهج البلاغه و بوستان سعدی»، پژوهش‌نامه علوی، سال ششم، ش ۱، ۱-۲۳.
۳. احمدیان، احمد (۱۳۹۳)، «ریاض الخلود؛ سیاست‌نامه، شریعت‌نامه یا اندرزنامه»، نهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، ۲۹۳-۳۰۵.
۴. _____ (۱۳۹۴)، «بررسی سبک‌شناختی، محتوایی و تطبیقی اثر حکمی مصنف چوری»، همایش بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی، تهران: مؤسسه سفیران فرهنگی مبین.
۵. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۱)، نوشته‌های بی‌سرنوشت، تهران: انتشارات یزد.
۶. امیری، سید محمد (۱۳۸۹)، «ضرب‌المثل در ادب فارسی و عربی، پیشینه و مضامین مشترک»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره دوم، شماره ۵، ۵۷-۷۶.
۷. انوشه، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ‌نامه ادب فارسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. بهار، محمدتقی (۱۳۷۳). سبک‌شناسی، تهران: امیرکبیر.
۹. حسینی، سید احمد (۱۳۵۷)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، زیر نظر سید محمود مرعشی، مجلد ۶، قم: چاپخانه خیام.

۱۰. _____ (۱۳۸۴)، فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، مجلد ۷، قم: مرکز احیاء التراث الاسلامی.
۱۱. خداکرمیان، مریم (۱۳۹۵)، تحقیق در زندگی و آثار فارسی ملاابوبکر مصنف چوری، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
۱۲. خسروی، زهرا (۱۳۸۶)، ترجمه گزیده از کتاب سراج الملوک، چ ۱، تهران: امیرکبیر.
۱۳. خطیبی، حسین (۱۳۸۶)، فن نثر در ادب پارسی، تهران: زوآر.
۱۴. داد، سیما (۱۳۷۸)، فرهنگ اصطلاحات ادبی: واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی به شیوه تطبیقی و توضیحی، تهران: مروارید.
۱۵. دانش‌پژوه، محمدتقی؛ بهاء‌الدین، علی‌انواری (۱۳۵۹)، فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲ (سنای سابق)، مجلد ۲، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۶. رسولی، حجت (۱۳۹۴)، ملمع در شعر فارسی، چ ۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. روحانی، بابامردوخ (۱۳۸۲)، تاریخ مشاهیر کرد، تهران: سروش.
۱۸. زرکلی، خیرالدین (۱۹۹۹)، الأعلام، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۹. سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۲)، بوستان سعدی (سعدی‌نامه)، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
۲۰. _____ (۱۳۶۸)، گلستان، به‌کوشش خلیل خطیب رهبر، چ ۵، تهران: صفی‌علیشاه.
۲۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، «انواع ادبی و شعر فارسی (۱)»، مجله رشد آموزش ادب فارسی، سال هشتم، شماره ۳۲-۳۳، ۴-۹.
۲۲. شمیسا، سیروس (۱۳۹۷)، تاریخ تطور نثر فارسی، چ ۲، تهران: سمت.
۲۳. _____ (۱۳۷۳)، کلیات سبک‌شناسی، چاپ دوم، تهران: فردوس.
۲۴. طهماسبی، فریدون (۱۳۹۱)، «مضامین اخلاقی در بوستان و مقایسه آن با نهج البلاغه»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال چهارم، ش ۱۶، ۱۸۹-۲۱۸.

۲۵. علیخانی ثانی ابدالآبادی، فاطمه؛ میر، محمد (۱۳۹۵)، «شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در تاریخ جهانگشای جوینی»، *متن پژوهی ادبی*، سال ۲۰، شماره ۶۹، ۱۵۳-۱۸۰.
۲۶. فرجی، محمد؛ صدرالدینی، اردشیر (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی آیات، احادیث، امثال و حکم عربی و فارسی با امثال و حکم کردی در آثار علامه مصنف چوری (ریاض الخلود و سراج الطریق)»، *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت ماموستا ملا ابوبکر مصنف چوری*، مریوان: انتشارات نه‌وین.
۲۷. فقهی، عبدالحسین و ابوالفضل رضایی (۱۳۸۹)، *فرهنگ جامع مثل‌ها و حکمت‌ها*، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. قره‌بلوط، علی‌الرضا و طوران، احمد [بی‌تا]، *معجم التاريخ التراث الإسلامی فی مکتبات العالم (المخطوطات والمطبوعات)*، مجلد ۲، ترکیه: دارالعقبه.
۲۹. کخاله، عمررضا (۱۴۱۴ ق.)، *معجم المؤلفین: تراجم مصنفی الکتب العربیّه*، ج ۳، بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۰. المحبّی، محمد (۱۲۸۴ ق.)، *خلاصه الأثر فی أعیان القرن الحادی عشر*، ج ۱، مصر: الوهیبیه.
۳۱. محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۰)، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عهد ساسانی به عصر اسلامی*، چ ۴، تهران: توس.
۳۲. مدرس، عبدالکریم (۱۹۸۴)، *بنه مالیه زانیاران*، بغداد: مطبعه شفیق.
۳۳. _____ (۱۳۶۹)، *دانشمندان کُرد در خدمت علم و دین*، ترجمه احمد حواری‌نسب، تهران: اطلاعات.
۳۴. مشرف، مریم (۱۳۸۹)، *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*، تهران: سخن.
۳۵. مصنف چوری، ملا ابوبکر (۱۳۸۷)، *ریاض الخلود*، به‌کوشش ماموستا ملاعارف مدرسی و سیّد محمد مصنفی چوری، چ ۱، تهران: سیروان.
۳۶. مکرری، محمد (۱۳۲۷)، «بررسی دو نسخه خطی سراج الطریق و ریاض الخلود»، *مجله یادگار*، شماره ۴۶، ۳۸-۴۸.

۳۷. میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳)، واژه‌نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فنّ

شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، تهران: مهناز.

۳۸. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۳)، «پیام‌های جهانی شعر شهریار»، نامه فرهنگ آذربایجان

شرقی، فصلنامه پژوهشی و فرهنگی شهریار، سال اول، شماره ۱، ۸۰-۹۷.

۳۹. _____ (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ»،

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۵۳-۱۷۵.

